

چه خبر؟

افشین ابراهیمی

برخلاف چند ساله که بیلی کریستال به طور پیاپی مجری مراسم اسکار بود و خیاال همه را از اجرایی بی نصف و بامزه راحت می کرد، حالا تمین مجری این مراسم با هیجان و نگرانی همراه است. اسکار پربیننده ترین مراسم اعلامی جایزه در جهان است که هر سال چند صد میلیون نفر آن را به طور زنده تماشا می کنند و فقط در ایالات متحده بیشتر از ۴۰ میلیون بیننده دارد. به همین خاطر هر سال عدد زیادی آیا باید بخوابی های بی مزه وویی گلندبرگ و دیوید لیزمن را تحمل کنند یا بیلی کریستال با هجو فیلم ها و سینماگران همه را از خنده روده بر می کند.

جان استوارت مجری مراسم اسکار ۲۰۰۶ شد



نصیبش کرد.

لترمن فرزندانش با شکیه آن بی سی را تمدید نکرد و حاضر شد دیگر مجری برنامه آخر شب باشد، جان استوارت یکی از انتخاب های نهایی برای جایگزینی می بود که در نهایت برنامه را به کونن اوپراین واگذار کرد. در سال ۲۰۰۲ هم که احتمال عدم تمدید قرارداد لترمن با شبکه ABC وجود داشت، استوارت به عنوان جانشین او مطرح بود که در نهایت خود لترمن ماندگار شد.

منزهای تجسمی

نقد گی دمن بر اثر برنده جایزه ترنر

هنر یا صنعت؟

شکل قلیق خاصه است و آن را به وسیله شیوه مبهم حکایت گونه و برداشت و تفکر خاص خود به صورت هنر کانسپچوال قرار ده. از این گذشته، این یک آثار بدون استفاده در اثر آتک سفید بزرگ است که برای دیدن آن باید پول پرداخت. پس با این حساب به نظر می رسد که آن قفها هنر مفهومی است!

بیمیق کردن ریشه خود در عالم هنر نمود. اکنون هنرمندان تنها بدلیجی در تریک کاری زرزو کنند و وسایل آشنا را حالت طبیعی خود بیرون بیاورند. آنها این کار بیستانگان را از ساختارهایی که به آنها عادت کرده اند، دور و جنبه های جدیدی را جویان برایشان آشکار می کنند.

دوشان در حقیقت با خلق آن اثر خود قصد داشت که مردم پس از دیدن آن راجع به ذات هنر فکر کنند. اثر اوپرا این کار گفت که «فکر کردن، نقطه شروع هنر است. او به یکی از منتقدان که مدح میسده های» او را آغاز بسیار زیبایی خوانده بود، پاسخ داد: هیچ کس کامل نیست.

در آثار دوشان - قطعی های خوب، تخت خوابهای ساخته شده که به گفته خودش «حاضر و آماده اند» هنر حسنی وجود دارد که آنها را مفید و ارزشمند جلوه دهد. منتظر من این شامی را از گونه آثار وجود دارند، هر چند هنوز هم بسیار کم به نظر می رسد و باید بیشتر باشند.

هنر مفهومی، در طول قرن بیستم از سلاستی خوبی برخوردار بود. هر چند هنوز هم بعضی هنر مندان منتقدان منصفانه اصرار می کنند که این اصطلاح فقط به نیتش هنر کانسپچوال انگلیس که متعلق به اواخر دهه ۶۰ و اوایل ۷۰ است، اشاره می کند. اما اکثر مردم آن به شکل عمومی تر از آن تصور می کنند. معمولاً، نام شروع این جنبش را هنر مفهومی در ۱۹۱۷ مارس لوروش نام به نام



فواره (Fontaine) به نام داشتند، آن که در همگان از هنر غیر ماری به کلی درگیر ساخت.

هنر مفهومی یا «بناخال کردن شیاعیات اولیه و تقدیرات، شروع

بیشتر آثار ارزشمند هنر مفهومی معاصر کلاسیک صنعتی هستند و در ۱۰۰ سال اخیر کمتر اثر با ارزشی را می توان پیدا کرد که دست ساز باشد. این کلمه تنها در کارگاههای خاکی - مانند کانسپچوال - هنوز حس می شود.

به جرأت می توانم بگویم تمام آثار استرالیانگ که برای گرفتن جایزه به نمایش درآمده اند، بسیار ضعیف هستند و این چیزی است که مر اسپرین تراحت می کند. در هنر مفهومی اصل، تمام لوام - چه حاضر و آماده باشند و چه نباشند - یک شناسا را به رسم ناشناس تبدیل می کنند و تمام آنها قطع ارتباط از زندگی روزمره یکباره ما را با جهانی که احاطه مان کرده است، روبرو می کند.

علاوه بر این، مساله دیگری نیز وجود دارد که خود هنر مندان نیز همواره راجع به آن صحبت می کنند و آن مساله بیانی شناختی است. منتظر من این نیست که آثار مفهومی آثار آماد بی شناختی از زیبایی شناختی، گذشته را از آن جدا کنند، بلکه در این آثار باید زیبایی از احساسات به وجود بیاید و نه از بد کار گرفتن وسایلی که ذاتا احساس را انگیز یا باعقلانه اند.

برای مثال، فواره اثر دوشان با یک وسیله حاضر و آماده ساخته شده است که آن هیچگونه شایستگی خاصی ندارد، اما این هنرمند با آن ما را با مسائل زیبایی شناختی وفق می دهد و با دیدگاهی غیر سودجویانه به جهان روبرو می کند.

اما کار استرالیانگ اندکی متفاوت به نظر می رسد. بدون توجه به این حقیقت که علاقه ما نسبت به آبرها و دوچرخه باپی برهن به گذشته آنها افزایش یافته است - در حقیقت آنها هیچگونه حس زیبایی شناختی هنری در ما به وجود می آورد. اکنون در حالی که استرالیانگ با ارزش ۲۵۰۰۰ یورو از برای هنر مفهومی که همان تجربه است را ندارد.

هنر مفهومی، در طول قرن بیستم از سلاستی خوبی برخوردار بود. هر چند هنوز هم بعضی هنر مندان منتقدان منصفانه اصرار می کنند که این اصطلاح فقط به نیتش هنر کانسپچوال انگلیس که متعلق به اواخر دهه ۶۰ و اوایل ۷۰ است، اشاره می کند. اما اکثر مردم آن به شکل عمومی تر از آن تصور می کنند. معمولاً، نام شروع این جنبش را هنر مفهومی در ۱۹۱۷ مارس لوروش نام به نام

فواره (Fontaine) به نام داشتند، آن که در همگان از هنر غیر ماری به کلی درگیر ساخت.

هنر مفهومی یا «بناخال کردن شیاعیات اولیه و تقدیرات، شروع

فواره اثر دوشان با یک وسیله حاضر و آماده ساخته شده است که آن هیچگونه شایستگی خاصی ندارد، اما این هنرمند با آن ما را با مسائل زیبایی شناختی وفق می دهد و با دیدگاهی غیر سودجویانه به جهان روبرو می کند.

خبرسازان



آعداشلو در تورتو

آیدین آعداشلو که سالهاست در ایران نمایشگاهی انفرادی از آثار خود برپا نکرده، در حال کامل کردن ۱۲ تابلوی نقاشی از مجموعه «سقوط فرشتگان» است که در ماه ژوئن، نمایشگاهی در تورنتو، کانادا برگزار خواهد کرد. این مجموعه شامل ۱۲ اثر خواهد بود. او نقاشی های خود را با خط صاف و بی نقصانه (میتاوتارهای مجاله شده) و نقاشی های رنسانسی با رنگ کهنه سر تحول کارهای این نقاشان در ۴۰ سال گذشته به نمایش می دهد. او در این نمایشگاه برای نخستین بار و نمایش آنها را در کنار هم به نمایش می گذارد. آعداشلو همچنین در حال تکمیل دو کتاب است تحت عنوانین «من این دو حرف نوشتم» و «درباره خوشنویسی».

انتشار آثار شیوا

قباد شیوا، هنرمند پیشکوت گرافیکست تا آخر این ماه کتاب «استادان بزرگ بین المللی گرافیک»، را که به معرفی او و مجموعه آثارش اختصاص دارد، به صورت بین المللی منتشر خواهد کرد. کتاب استادان بزرگ بین المللی گرافیک به معرفی هنر مندان حوزه گرافیک در سطح دنیا اختصاص دارد که این بار به معرفی این هنرمندان گرافیکست ایرانی پرداخته است. این کتاب که هر شماره از آن به یک هنرمند اختصاص دارد، به صورت بین المللی چاپ و منتشر خواهد شد. شیوا که بیش از ۴۰ سال است به کار گرافیک مشغول است هم اکنون پوستر نمایشگاه هنر مندان ایرانی در کابلانکا و پوستری برای یونسکو با عنوان دانش تکنولوژی و فرهنگ در خدمت انسان را در دست طراحی دارد.

نقاشان آپادانا در موزه

موزه هنرهای معاصر که همراه با نمایشگاه گنجینه آثار هنرمندان ایرانی خود، چندین جلسه بررسی و تحلیل آثار هنرمندان درجست فقهی با برگزار کرده است روز دوشنبه گذشته به نمایش در برسی آثار نقاشان گالی آپادانا پرداخت. آپادانا یا کاشانه هنرهای زیبا نام نگاره ای بود که به سمت محمد جدادی پور، حسین کاظمی و هوشنگ آجدادی در سال ۱۳۲۸ در تهران برپا شد و بخش قابل توجهی از آن در ایران به راه افتاد و در مدت یک سال فعالیت، نقش مؤثری در پیشبرد جنبش نقاشی نو ایران نقاشی داشت. در آن سالها نقاشان مشهوری چون جلیل میاور، هوشنگ بونیشک، نیا حسین کاظمی، احمد استبداری، مهدی یونگالی، عبدالله عامری و جواد حمیدی آثار خود را در این نگارخانه به نمایش گذاشته بودند.

صدای موسیقی در شهر

بیست و یکمین جشنواره بین المللی موسیقی فجر از روز چهارشنبه در تهران آغاز شد تا انتها ۱۰ روزی که همه نگاهها به تالارهای موسیقی دوخته می شود، شکل بگیرد.

صدای موسیقی در شهر

بیست و یکمین جشنواره بین المللی موسیقی فجر از روز چهارشنبه در تهران آغاز شد تا انتها ۱۰ روزی که همه نگاهها به تالارهای موسیقی دوخته می شود، شکل بگیرد.

صدای موسیقی در شهر

بیست و یکمین جشنواره بین المللی موسیقی فجر از روز چهارشنبه در تهران آغاز شد تا انتها ۱۰ روزی که همه نگاهها به تالارهای موسیقی دوخته می شود، شکل بگیرد.

صدای موسیقی در شهر

بیست و یکمین جشنواره بین المللی موسیقی فجر از روز چهارشنبه در تهران آغاز شد تا انتها ۱۰ روزی که همه نگاهها به تالارهای موسیقی دوخته می شود، شکل بگیرد.

صدای موسیقی در شهر

بیست و یکمین جشنواره بین المللی موسیقی فجر از روز چهارشنبه در تهران آغاز شد تا انتها ۱۰ روزی که همه نگاهها به تالارهای موسیقی دوخته می شود، شکل بگیرد.

صدای موسیقی در شهر

بیست و یکمین جشنواره بین المللی موسیقی فجر از روز چهارشنبه در تهران آغاز شد تا انتها ۱۰ روزی که همه نگاهها به تالارهای موسیقی دوخته می شود، شکل بگیرد.